تعطیلی ایستگاه مترو به خاطر چند دست لباس کودک

ایستگاه متروی میرداماد، دیروز با پیدا شدن ساکی مشکوک برای دقایقی تعطیل شد. در بازرسی ساک چند دست لباس کودک پیدا شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، صبح دیروز ماموران ایستگاه متروی میرداماد با دیدن یك ساك ورزشی که روی سکویی رها شده بود به موضوع مشکوك شدند.

به دلیل این‌که احتمال می‌رفت در این بسته مواد منفجره باشد، موضوع به پلیس گزارش شد. برای حفظ جان مسافران، ماموران ایستگاه را تعطیل کرده و حرکت ترن‌ها به سمت این ایستگاه متوقف شد.

دقایقی بعد با حضور تیم چك و خنثی‌سازی بمب پلیس تهران، ماموران خود را به ساك ورزشی رسانده و در آن را باز کردند.

داخل ساك چند دست لباس کودك بود و به نظر می‌رسید یکی از مسافران آن را روی سکو جا گذاشته است. با مشخص شدن موضوع، ایستگاه بازگشایی شد و حرکت قطارها به سمت ایستگاه از سر گرفته شد.



جزئیات تنبیه دانش‌آموزان با شیلنگ

فاطمه شیخ علیزاده
حوادث

تنبیه بدنی دانش‌آموزان از سوی مدیر دبیرستانی در کرج، شکایت اولیای دانش‌آموزان را به دنبال داشت و پس از آن رسیدگی به پرونده تخلف مدیر مدرسه در دستور کار هیأت برخورد با تخلفات آموزش و پرورش قرار گرفت. تقاضای تعلیق مدیریت از سوی ناحیه ۴ اداره آموزش و پرورش استان البرز به هیأت تخلفات ارائه شده است.

امیر والی پور، رئیس اداره ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات آموزش و پرورش استان البرز در گفت‌وگو با جام جم، حادثه برخورد با دانش‌آموزان دبیرستان شیخ مفید کرج و تنبیه بدنی دانش‌آموزان را این‌طور توضیح داد: چند روز قبل گزارشی از تنبیه بدنی هشت دانش‌آموز در دبیرستانی در کرج به دست ما رسید. ماجرا از این قرار بود که تعدادی از اولیای دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف دهم تا دوازدهم، در شکایت خود اعلام کرده بودند مدیر مدرسه، فرزندانشان را با شیلنگ تنبیه کرده است. در پیگیری شکایت مطرح شده مشخص شد، روز جلسه اولیا و مربیان در مدرسه، معاون مدرسه به دانش‌آموزان اعلام می‌کند تمامی کلاس‌ها به دلیل برگزاری جلسه، یك زنگ تعطیل هستند و بچه‌ها بعد از شنیدن خبر تعطیلی بسیار خوشحال شدند و سر و صدای زیادی راه انداختند. معاون مدرسه سعی در برقراری نظم مدرسه کرده بود، اما تعدادی از دانش‌آموزان به سر و صدا کردن ادامه دادند و در نهایت مدیر مدرسه وارد عمل شد و دانش‌آموزان خاطی را از میان جمع دانش‌آموزان جدا و به دفتر منتقل کرد. متاسفانه مدیر مدرسه در برخورد با دانش‌آموزان خاطی، آنها را با شیلنگ کتك زد و از روی عصبانیت، تنبیه بدنی برای آنها در نظر گرفت.

امیروالی پور در ادامه نحوه برخورد قانونی با مدیر مدرسه را این‌طور توضیح داد: هر چند وارد شدن صدمات بدنی به دانش‌آموزان به حدی نبود که آثار ضرب و جرح روی بدن آنها بر جای مانده باشد، اما بعد از بررسی موضوع و شنیدن شکایت تك تك دانش‌آموزان و همچنین اذعان خود مدیر به تنبیه بدنی دانش‌آموزان، انجام فعل تنبیه محرز شد. با توجه به این‌که بعد از برخوردهای اخیر معلمان با دانش‌آموزان، بخشنامه‌ای در کمیته مستند سازی تنظیم و به تمامی مناطق ارسال شده بود، عمل این مدیر تخلف از مفاد بخشنامه تلقی می‌شود. بر اساس بخشنامه مذکور، رسیدگی به پرونده تخلف اولیای مدرسه در کوتاه مدت و خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد. به این ترتیب، پرونده تخلف در منطقه تشکیل و به اداره کل آموزش و پرورش ارسال و در هیأت رسیدگی به تخلفات بررسی می‌شود. همچنین جلسات توجیهی برای معلمان و مدیران به منظور تبیین آثار تنبیه بدنی در جامعه و میان دانش‌آموزان برگزار شده است. در خصوص مدیر مدرسه، از طرف منطقه تقاضای تعلیق مدیریت مطرح شده و این تقاضا در حال بررسی در هیأت برخورد با تخلفات است. هیأت تخلفات آموزش و پروش خارج از سیستم آموزش و پرورش فعالیت کرده و آرای مستقیم به وزارتخانه آموزش پرورش اعلام خواهد شد. بعد از اعلام رای هیأت تخلفات امکان کسر گروه شغلی و منع مدیریت برای مدیر خاطی وجود خواهد داشت.

والی پور در آخر گفت: هر چند این مدیر برای اولین بار چنین تخلفی انجام داده و از این مدیر هیچ شکایتی نشده بود، اما با توجه به اعمال تنبیه بدنی و نوع تنبیه با شیلنگ که آثار روحی و روانی منفی در دانش‌آموزان و جامعه ایجاد کرده، تخفیفی در برخورد با مدیر وجود نخواهد داشت و برخورد قانونی قاطع با خاطی صورت خواهد گرفت.



مدیر مدرسه وقتی متوجه سر و صدای دانش‌آموزان شد برای برخورد آنها را با شیلنگ تنبیه کرد

دردسر تصاحب چك خیالی ۳۵۰ میلیاردی



معصومه ملکی
حوادث

انتشار تصویر چك خیالی ۳۵۰ میلیاردی در یك گروه تلگرامی، دو مرد را وسوسه کرد تا این چك را تصاحب کنند. آنها برای رسیدن به این پول راننده تاکسی فرودگاه را به اشتباه ربودند و خودشان را به دردسر انداختند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، چهارم آذر امسال مرد جوانی با حضور در شعبه ششم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از پنج مرد به اتهام آدم‌ربایی به قصد اخاذی شکایت کرد.

با دستور بازپرس احسان زمانی، تحقیقات ماموران اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت آغاز شد و شاکی به پلیس گفت: در فرودگاه مهرآباد راننده تاکسی‌ام و برخی مسافران شماره‌ام را دارند و برای جابه‌جایی‌شان با من تماس می‌گیرند. دیروز هم مردی با من تماس گرفت و وقتی به محوطه فرودگاه رفتم او و دوستش را سوار کردم. زمانی که به میدان فتح رسیدیم، گفتند که ماموران اداره اطلاعات هستند و مرا مسلحانه ربودند. آنها عکس چکی ۳۵۰ میلیارد تومانی را که در گوشی‌شان بود، نشان دادند و گفتند باید آن را نقد کنم و به هرکدام ده میلیارد تومان بدهم. گفتم اشتباه می‌کنید و من چنین چکی ندارم و آزادم کنید که توجهی نکردند. خودرویم را بازرسی کردند، بعد گفتند سمت خانه‌ات برو، از ترس جانم به خانه‌ام در تهرانسر رفتم، برادرم و یکی از اقوامم را در خانه دست و پا بسته محبوس کردند. آدم‌رباها خانه‌ام را جست‌وجو کردند و چکی پیدا نکردند. مرا سوار خودرویم کردند و در زمان ملاقات بیماران به بیمارستان فیروزگر و نزد مردی به نام مرتضی بردند که با مادرم سر خرید و فروش مواد غذایی اختلاف مالی ۵۰ میلیون تومانی داشت. او گفت مرا اشتباه گرفتند، به همین خاطر دست و پایم را بستند و در خودرو رها کردند.

با شکایت وی، ماموران دوربین‌های فرودگاه مهرآباد که محل آدم‌ربایی بود را بازبینی کردند که تصاویر آدم‌رباها به دست آمد. در جریان تحقیقات پلیسی یکی از آنها که مامور اخراجی بود، بازداشت شد و در بازجویی‌ها گفت: من و دوستم فرهاد دست به این آدم‌ربایی زدیم تا چك ۳۵۰ میلیاردی را تصاحب کنیم.

با اعتراف وی، فرهاد نیز بازداشت شد و به پلیس گفت: شاکی را پسردایی‌ام می‌شناخت. او به من گفت که وی چند سال است چك رمزدار بانکی به مبلغ ۳۵۰ میلیارد تومان دارد و به خاطر ترس از متهم شدن به پولشویی آن را نقد نمی‌کند. من با دوستم که پلیس اخراجی بود، عنوان پلیس اطلاعات را جعل کرده و به عنوان مسافر سوار خودروی شاکی شدیم و وی را مسلحانه ربودیم تا چك را خودمان تصاحب کنیم و حتی سر پسردایی‌ام کلاه بگذاریم. خانه شاکی را هم جست‌وجو کردیم اما از چك خبری نبود. بعد گروگان را به بیمارستانی که پسردایی‌ام بستری بود، بردیم. او مدعی شد، راننده را اشتباهی دستگیر کرده‌ایم. بعد او را دست و پابسته رها کردیم.

ماموران سرانجام دو روز پیش مرتضی را هم بازداشت کردند که او در جریان تحقیقات پلیسی گفت: اعضای باند آدم‌ربایی و پسرعمه‌ام که بازداشت شده‌اند دروغ می‌گویند و هدف‌شان به دردسر انداختن من است. من طراح آدم‌ربایی نبودم. من، شاکی و متهمان بازداشت‌شده از یك سال و نیم پیش همه عضو یك کانال تلگرامی ۱۵۰ نفره بودیم که مدتی پیش بسته شد. یك روز عکس این چك ۳۵۰ میلیارد تومانی در گروه‌مان منتشر شد و همه به دنبال صاحب آن چك بودند. پسرعمه‌ام فکر می‌کرد من صاحب چك را می‌شناسم و تهدیدم می‌کرد تا او را معرفی کنم. من هم برای به دردسر انداختن پسرعمه‌ام و خلاصی از دست مزاحمت و تهدیدهایش راننده تاکسی را به عنوان صاحب چك معرفی کردم اما فکر نمی‌کردم برای تصاحب چك خیالی دست به آدم‌ربایی مسلحانه بزنند. زمانی که چك را پیدا نکردند و گروگان را در بیمارستان نزدم آوردند گفتم اشتباه گرفته‌اند و نجاتش دادم.

تحقیقات از متهمان در حالی ادامه دارد که معلوم شد چك رمزدار بانکی ۳۵۰ میلیارد تومانی که بابت آن آدم‌ربایی رخ داده وجود خارجی ندارد.

بخشش قاتل عاشق پای چوبه دار

مرد جوان که در جریان درگیری دوست خود را با ضربه چاقو از پای درآورده بود، پای چوبه دار با اعلام رضایت اولیای دم بخشیده شد. متهم روز گذشته از لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شد و اظهار ندامت و پشیمانی کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، تابستان چهار سال قبل، خبر درگیری منجر به قتل در جنت‌آباد به اطلاع پلیس ۱۱۰ رسید. ماموران در محل حادثه که یك مغازه لوازم‌آرایش فروشی بود حاضر شدند و متهم را که صاحب مغازه بود، دستگیر کردند.

متهم که امید نام دارد، در اظهارات اولیه خود علت درگیری با مقتول به نام پیمان را اینطور شرح داد: «چند وقت قبل دختر جوانی به نام ملیکا را به عنوان فروشنده در مغازه خود استخدام کردم. مدتی که گذشت به او علاقه پیدا کردم و تصمیم داشتم با او ازدواج کنم. اما مدتی که گذشت متوجه شدم که دوست من پیمان که به مغازه من رفت و آمد داشت، با ملیکا دوست شده است. خیلی عصبانی شدم و ملیکا را از مغازه اخراج کردم. اما درگیری من و پیمان ادامه داشت و ظهر روز حادثه پیمان سراغ من آمد. داشتم ناهار می‌خوردم که او را از دور دیدم که یك میله دستش بود و داشت با عصبانیت سمت من می‌آمد. بعد با هم درگیر شدیم و نمی‌دانم چه شد که چاقویی را از سر میز برداشتم و با آن یك ضربه به پیمان زدم که درست به قلب او اصابت کرد.»

با اعتراف متهم، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یك استان تهران ارجاع شد.

با درخواست اولیای دم رای قصاص متهم صادر شده و در مرحله اجرا قرار گرفت. اما درست روز اجرای حکم در مردادماه امسال، زمانی که طناب دار به گردن امید آویخته شد؛ اولیای دم از قصاص قاتل فرزندشان اعلام گذشت کردند.

روز گذشته امید باردیگر در دادگاه حاضر شد تا از جنبه عمومی جرم محاکمه شود. امید در دفاع از خود گفت: «اشتباهم را قبول دارم. در این مدت در زندان تنبیه شده‌ام. شب قبل از اعدام مرگ را جلوی چشمم دیدم. خانه‌مان را به عنوان دیه پیمان به اولیای دم دادیم، اما آنها با بزرگواری همان خانه را بدون پول پیش به مادر و پدرم اجاره داده‌اند.»

رای دادگاه بعد از مشورت قضات صادر خواهد شد.

ادعای عجیب زن جوان بعد از فرار از خانه شوهر دوم



زن جوان که پس از فرار از خانه شوهر دومش به خانه شوهر اولش رفته بود، پس از دستگیری ادعای عجیبی را مطرح کرد.

دو روز قبل مردی جوان به نام امین با مراجعه به کلانتری میدان قزوین از همسر خود به اتهام بازگشت به منزل همسر اولش شکایت کرد. امین ۲۳ ساله به ماموران گفت: همسرم دو روز قبل بعد از جر و بحث با من، خانه را ترك کرد و من از او بی‌خبر بودم و تماس‌هایم را پاسخ نمی‌داد. تا این‌که چند ساعت قبل او را همراه همسر سابقش در خیابان دیدم و به حدی عصبانی بودم که اگر جلوی خودم را نمی‌گرفتم بلایی سر آنها می‌آوردم.

با طرح شکایت مرد جوان، ماموران همسر امین و شوهر سابقش را دستگیر کردند. متهمان روز گذشته در دادگاه حاضر شدند و به سؤالات قاضی در تحقیقات مقدماتی پاسخ دادند.

امین به قاضی تولیت گفت: من راننده شرکت اسنپ هستم. یك سال قبل همسرم فریبا که از من ۱۲ سال بزرگ‌تر است، به عنوان مسافر سوار ماشینم شد. آن روز حال خیلی بدی داشت و گریه می‌کرد. با او صحبت کردم و گفت از همسرش جدا شده و قرار بوده با مردی ازدواج کند، اما آن مرد به او خیانت کرده است. سر صحبت بین ما باز شد و با هم دوست شدیم و چند وقت بعد به خاطر علاقه‌ای که به او پیدا کرده بودم ازدواج کردیم، اما فریبا سر هر موضوع کوچکی خانه را ترك می‌کرد. تا این‌که روز گذشته من را به بهانه خرید بادمجان از خانه بیرون فرستاد و وقتی برگشتم دیدم از پنجره فرار کرده و بعد فهمیدم به خانه همسر سابقش رفته است.

فریبا در دفاع از خود گفت: از وقتی با امین ازدواج کردم از دست بداخلاقی‌های او در امان نیستم. او گوشی تلفن همراه من را گرفته و هر روز موقع رفتن به سر کار حتی کیف من را هم با خودش می‌برد و در را روی من قفل می‌کرد. من از ازدواج اولم دو فرزند ۴ و ۱۷ ساله دارم که دو ماه بود حتی با آنها تلفنی هم حرف نزده بودم. دلتنگ بچه‌هایم بودم و برای همین از خانه فرار کردم و پیش بچه‌هایم رفتم. اما همسر اول من در این دو روز در محل کارش می‌خوابید. او که می‌دانست من جایی برای ماندن ندارم به من پناه داد و اجازه داد نزد بچه‌هایم بمانم.

محاکمه متهمان پرونده به زودی در شعبه دوازدهم دادگاه انجام خواهد شد.

مرد میانسال بعد از افشای خیانت دامادش فوت کرد

عشق ممنوعه

مامور حراست بانك گمان نمی‌کرد که دلدادگی‌اش به یك زن و دعوای خانوادگی با خانواده همسرش به مرگ پدرزن منجر شود.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۲۳ شنبه، ۱۶ آذر امسال ساسان غلامی، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران در تماس تلفنی ماموران کلانتری سیدخندان از مرگ مرد میانسالی در جریان دعوای خانوادگی در بیمارستان رسالت باخبر شد. با دستور قضایی تحقیقات پلیسی آغاز و معلوم شد که مرد میانسال بر اثر ایست قلبی در آنجا فوت کرده است. با مرگ او و دستور قضایی داماد ۲۹ ساله خانواده به عنوان مظنون بازداشت شد. مرد جوان دیروز برای ادامه تحقیقات از کلانتری سیدخندان به شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و اظهار کرد: کارمند حراست بانکی در تهران هستم. ده سال پیش با خواهر یکی از دوستانم ازدواج کردم و ثمره زندگی‌مان دو فرزند خردسال است. با گذشت یك سال از ازدواجمان میان من و همسرم مدام اختلاف و درگیری پیش می‌آمد. او به من حساس بود و شك داشت. سوءظن‌های او تمامی نداشت. وقتی زنی از اخلاق و رفتارم تعریف می‌کرد زندگی را برایم جهنم می‌کرد. حتی می‌خواستم طلاق بگیریم و نیمی از اموالم را به او بدهم که مدعی شد به من علاقه دارد و اخلاقش را بهتر می‌کند که نکرد.

وی افزود: یك سال قبل بود که یکی از کارمندان بانك که خانمی ۳۲ ساله است پولی از من قرض گرفت و آن را کارت به کارت به حسابش واریز کردم و مدتی بعد پول را پس داد، اما همسرم فیش دریافت و پرداخت را در میان وسایلم پیدا کرد و همین باعث بروز مشکلاتی برای من و همکارم شد. همسرم آن‌قدر با من بدرفتاری کرد که دیگر تحمل این زندگی را نداشتم. از طرفی با همان خانم ۳۲ ساله که همکارم بود به درددل کردن پرداختم. همین باعث آشنایی و ارتباط بیشترمان شد. او نیز با شوهرش اختلاف و قصد جدایی از او را داشت. ما به هم علاقه‌مند شدیم و قرار بود بعد از آن‌که من از همسرم جدا شدم با هم ازدواج کنیم. همسرم وقتی متوجه ماجرا شد، با خانواده این زن تماس گرفت و آبروی ما را برد. شب حادثه با آن زن در پارکی حوالی سیدخندان قرار گذاشتم. همزمان همسرم همراه پدرش و فرزندان‌مان سر رسید. با هم درگیر شدیم که ناگهان حال پدرزنم بد شد. همسرم پدرش را به بیمارستان برد و من هم همراه بچه‌ها به خانه آمدیم. شب ماموران سراغم آمدند و من را به خاطر مرگ پدرزنم بازداشت کردند. من قاتل پدرزنم نیستم.

همزمان با دستور قضایی قرار شد که از همسر مرد جوان و زن مورد علاقه او درباره حادثه مرگ مرد فوت شده تحقیق کنند.

شیشه عمر زن معتاد شکست

همزمان با مرگ زن شیشه‌ای، شوهر معتاد او به عنوان تنها مظنون در این پرونده بازداشت شد.

سرگرد سعید امیری، رئیس کلانتری صحن مطهر به میزان گفت: ساعت ۹ صبح شنبه شانزدهم آذر امسال فوت مشکوك زن جوان ۲۲ ساله‌ای در محدوده کلانتری گزارش شد. همزمان با شروع تحقیقات پلیسی برای شناسایی هویت این زن، مرد ۳۲ ساله‌ای با حضور در بهشت زهرا اعلام کرد، جسدی را که پلیس یافته متعلق به همسرش است. بنابراین با توجه به مشکوك بودن ماجرا شوهر زن فوت‌شده به عنوان مظنون بازداشت شد و در تحقیقات پلیسی گفت: ساعت ۶ صبح من و همسرم شیشه مصرف کردیم و بعد خوابیدیم. ساعت ۹ صبح که بیدار شدم هرچه صدایش زدم پاسخگو نبود. محل را ترك کردم و وقتی برگشتم متوجه مرگ او شدم.

تحقیقات پلیسی از این مرد ادامه دارد.

تلنگر

قاتل شوهرعمه در جلسه محاکمه بخشیده شد

مرد جوان به اتهام قتل شوهرعمه‌اش در دادگاه محاکمه و با تلاش خانواده‌اش موفق شد در جلسه دادگاه ولی دم را راضی به گذشت از قصاص کند.

به گزارش خبرنگار جام جم، تابستان سال ۹۵ امدادگران اورژانس در جریان درگیر منجر به ضرب و جرح در تهرانپارس قرار گرفتند و جوان مجروح به نام محسن را خیلی سریع به بیمارستان منتقل کردند، اما محسن روز بعد از حادثه در بیمارستان جان خود را از دست داد.

با پیگیری پلیس عامل قتل که جوانی به نام سعید بود، در خانه خواهر خود شناسایی و دستگیر شد. او در توضیح ماجرا به ماموران گفت: «محسن شوهرعمه من بود و ما با هم در خانه پدربزرگ من زندگی می‌کردیم. او دوستان ناباب زیادی داشت که به خانه ما زیاد سر می‌زدند. آن روز دو نفر از دوستانش به در خانه آمدند و گفتند مواد مخدر می‌خواهند. من عصبانی شدم و گفتم اینجا محل تهیه مواد نیست، اما وقتی محسن به خانه برگشت به من اعتراض کرد و گفت چرا با دوستانم بدرفتاری کردی. چند ساعت قبل از این‌که او به خانه بیاید من مشروب خورده بودم و حالت طبیعی نداشتم. برای همین نفهمیدم چه شد که در جریان درگیری با چاقو به محسن ضربه زدم.»

با اعتراف متهم، پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران ارجاع و روز گذشته متهم محاکمه شد.

در ابتدای جلسه رسیدگی پدر محسن به عنوان ولی دم پرونده تقاضای قصاص متهم را کرد، اما با تلاش خواهر محسن و دوستان او راضی شد که در ازای دریافت مبلغ ۳۵ میلیون تومان از قصاص گذشت کند. خانواده محسن مبلغ چهار میلیون تومان را نقدا به پدر محسن پرداخت کردند.

در ادامه محسن در دفاع از خود گفت: «دو سال قبل از حادثه پدرم ناپدید شد. کارتن خواب شده بود و فکر کردیم در گوشه‌ای از شهر جان خود را از دست داده است. مادرم هم جایی برای ماندن نداشت و در بهزیستی زندگی می‌کند. برای همین من و خواهرم به خانه پدربزرگم رفتیم. شرایط زندگی من را دچار ناراحتی اعصاب کرده بود.»

رای پرونده از لحاظ جنبه عمومی جرم بعد از مشورت هیات قضات صادر خواهد شد.

محسن لرستانی بهمن ماه محاکمه می‌شود

خواننده معروف پاپ، بهمن امسال در دادگاه انقلاب محاکمه خواهد شد.

سیدکاظم حسینی، وکیل این خواننده پاپ درباره آخرین وضعیت موکلش محسن لرستانی به فارس گفت: قرار شده در مورد عنوان اتهامی ایشان فعلا صحبتی نشود. اولین جلسه رسمی دادگاه آقای لرستانی ۱۲ بهمن امسال برگزار می‌شود.

بنابراین خبر منتشرشده در برخی سایت‌ها مبنی بر حکم اعدام موکلم نیز صحت ندارد.

این گزارش حاکی است، محسن لرستانی اواخر سال گذشته در خانه مادرش در سعادت‌آباد تهران بازداشت شد و از اسفند سال ۹۷ تاکنون در بازداشت موقت به سر می‌برد و کیفرخواست وی از سوی دادسرای امنیت اخلاقی صادر شده است.

پرونده خواننده پاپ به اتهام افساد فی‌الارض به دادگاه انقلاب ارسال شده است.

پسر معتاد، مادرش را کشت

پسر شیشه‌ای که با ضربه چاقو مادرش را در خانه به قتل رسانده بود پیش از فرار بازداشت شد.

به گزارش سایت پلیس، شانزدهم آذر امسال، فردی با پلیس شهر زنجان تماس گرفت و خبر داد که در یکی از محله‌های منتهی به خیابان ۱۷ شهریور شهر زنجان زنی با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده است. همزمان با حضور ماموران در آنجا و بررسی‌های اولیه متوجه شدند پسر شیشه‌ای خانواده براثر توهم ناشی از شیشه مادر خانواده را با ضربه‌های کارد آشپزخانه به قتل رسانده و می‌خواسته جسد او را در چاه فاضلاب خانه بیندازد که اعضای خانواده از ماجرا مطلع شده و به پلیس خبر داده‌اند که در این اقدام ناکام مانده است.

ماموران قصد دستگیری قاتل معتاد را داشتند که او با ماموران درگیر شد و در صدد فرار بود که موفق نشد و بازداشت شد. متهم شیشه‌ای با انتقال به پلیس آگاهی بازجویی شد و به قتل مادرش اعتراف کرد.